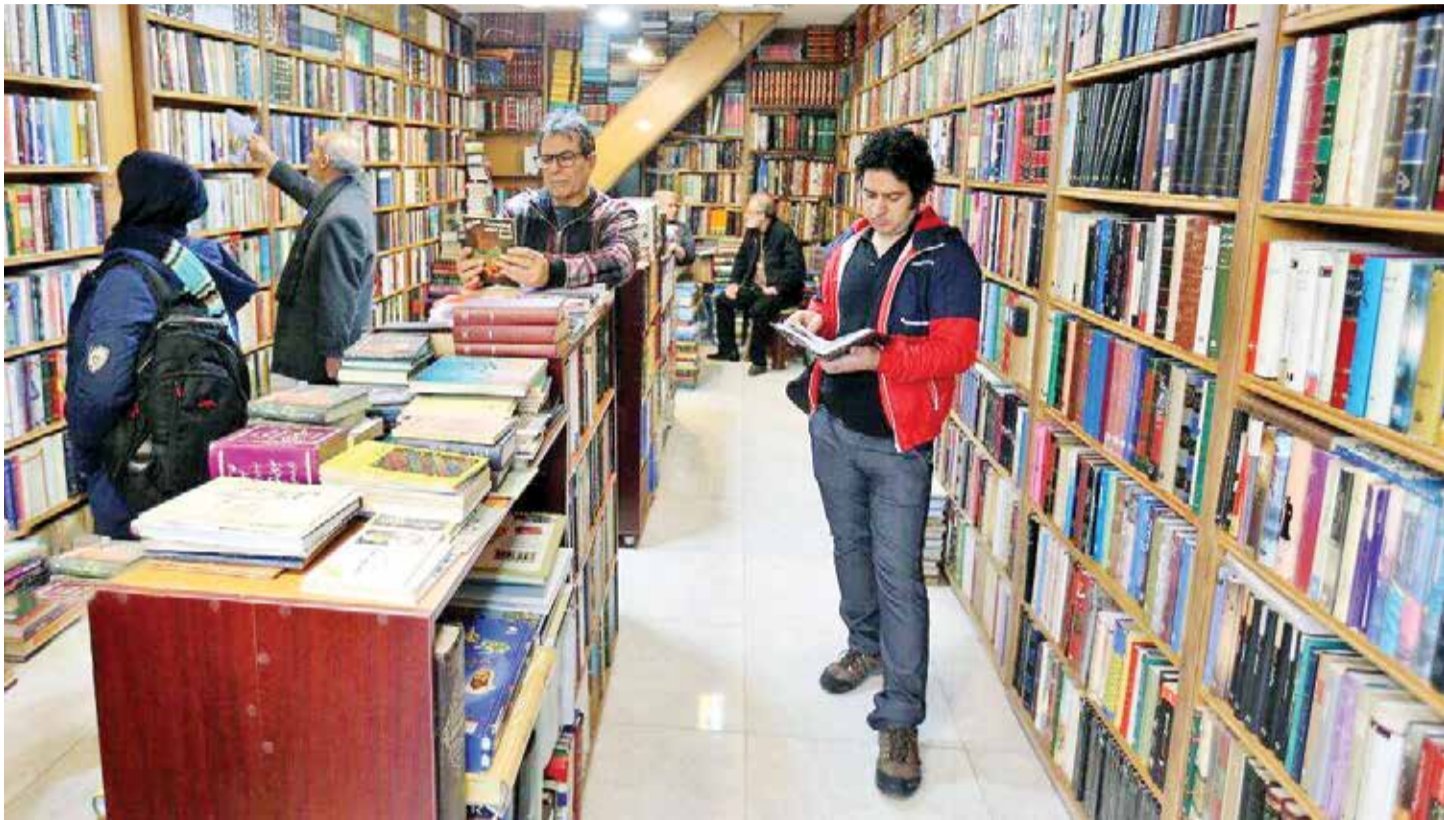


زوه



از بلبله بلوای بابلیان تا دیلماج‌های مستعارنویسی

نگاهی کوتاه به جریان ترجمه در زمانه ما



ترجمه به عنوان یک نظام / سیستم اجتماعی عمل می‌کند و زیست جهان هر آنجایی را که در آن وارد شود، به هم خواهد زد و با پدید آوردن آشوب در پی نظمی نوین خواهد گشت، حال اینکه چقدر در این مأموریت تفوق یابد یا به موانع سخت برخورد کند، به اندیشمندان، برنامه‌ریزان و سیاستمداران آن جامعه بستگی دارد



دکتر علی محمد حق‌شناس در مقاله «نقش زبان و ادبیات در پیشرفت علمی» ضمن برشمردن چهار خصیصه برای زبان و سه ویژگی برای ادبیات که در هر علمی و برای پیشرفت هر علمی لازم هستند و کاربرد دارند، اشاره‌ای مختصر به بحث اثرگذاری ترجمه در این اضلاع هفتگانه دارند. امروزه دیگر شکی وجود ندارد که ترجمه نیز همچون خبر، رسانه، علم، سیاست و... یکی از اضلاع مهم قدرت است، اما این گزاره را نباید ساده و سطحی درک کرد و یا پنداشت با چند دستور و کمی برخورد می‌توان آن را برنامه‌ریزی یا مدیریت نمود. ابتدا باید نشان داد ترجمه در منشور، منظومه یا ساختارهای قدرت، چه ضلع و ضریبی را به خود اختصاص داده است، سپس روندنگاری مسیری که تا اینجا طی کرده است

دکتر علی محمد حق‌شناس در مقاله «نقش زبان و ادبیات در پیشرفت علمی» ضمن برشمردن چهار خصیصه برای زبان و سه ویژگی برای ادبیات که در هر علمی و برای پیشرفت هر علمی لازم هستند و کاربرد دارند، اشاره‌ای مختصر به بحث اثرگذاری ترجمه در این اضلاع هفتگانه دارند. امروزه دیگر شکی وجود ندارد که ترجمه نیز همچون خبر، رسانه، علم، سیاست و... یکی از اضلاع مهم قدرت است، اما این گزاره را نباید ساده و سطحی درک کرد و یا پنداشت با چند دستور و کمی برخورد می‌توان آن را برنامه‌ریزی یا مدیریت نمود. ابتدا باید نشان داد ترجمه در منشور، منظومه یا ساختارهای قدرت، چه ضلع و ضریبی را به خود اختصاص داده است، سپس روندنگاری مسیری که تا اینجا طی کرده است

بیان خواهد شد و در پایان و در صورت امکان، وارد گود سیاست‌پژوهی خواهیم شد و صدای کوبیده شدن چکش پیشنهاد را بر میخ تصمیم، خواهیم شنید. قبل از ورود به بحث، تذکری مهم لازم است؛ به غیر از بخش چهارم که خواهی نخواهی باید در انتهای این مسیر بیان شود، در مورد سه بخش دیگر نه تنها به صورت خط‌کشی شده و دانشگاهی به طرح مباحث نخواهیم پرداخت، بلکه آگاهانه و عمدانه و براساس ضرورت و اقتضای بحث، شاخه‌های سه بخش اول را در هم خواهیم پیچید تا دچار آسیب‌ساده‌سازی سطحی نگرانه جریان ترجمه نشویم و پیچیدگی‌های آن را در مسیری که برای روشن شدن بخشی از جدول کلان‌تصویر آن پیش‌رو داریم با یکدیگر لمس کنیم. حال به‌عنوان شروع بیابید تا ابن‌سینا در حال راز و نیاز است و دارد التماس‌های شکستش در فهم متنی نه‌چندان پیچیده، بلکه بد ترجمه

بیان خواهد شد و در پایان و در صورت امکان، وارد گود سیاست‌پژوهی خواهیم شد و صدای کوبیده شدن چکش پیشنهاد را بر میخ تصمیم، خواهیم شنید. قبل از ورود به بحث، تذکری مهم لازم است؛ به غیر از بخش چهارم که خواهی نخواهی باید در انتهای این مسیر بیان شود، در مورد سه بخش دیگر نه تنها به صورت خط‌کشی شده و دانشگاهی به طرح مباحث نخواهیم پرداخت، بلکه آگاهانه و عمدانه و براساس ضرورت و اقتضای بحث، شاخه‌های سه بخش اول را در هم خواهیم پیچید تا دچار آسیب‌ساده‌سازی سطحی نگرانه جریان ترجمه نشویم و پیچیدگی‌های آن را در مسیری که برای روشن شدن بخشی از جدول کلان‌تصویر آن پیش‌رو داریم با یکدیگر لمس کنیم. حال به‌عنوان شروع بیابید تا ابن‌سینا در حال راز و نیاز است و دارد التماس‌های شکستش در فهم متنی نه‌چندان پیچیده، بلکه بد ترجمه



شده را در پیشگاه الهی ابراز می‌دارد، ما چند اشاره و چون و چرا را از سر بگذرانیم و با او بازار خرده‌فروشان را گز کنیم تا با هم به تقاطع اغراض برسیم. تاکنون به فرایند ترجمه دقت کرده‌اید؟ آیا شنیده‌اید برخی اندیشمندان، ترجمه را نوعی خیانت می‌دانند و مترجمان را خائنان؟ حتی پژوهش‌های زبانی روی واژه «Traduttore» و «Traditore» در زبان ایتالیایی و تشابهات و تطورات آن نیز صورت گرفته است، همچنین یکی از محققان مطالعات ترجمه، ترجمه خوب را به زنی زیبا تشبیه کرده است که وفاداری در او بسیار مشکل به دست می‌آید و حتی اگر خودش هم بخواهد وفادار بماند، چشم‌ها و دست‌های ناشکیب بر صورت زیبایی او اوهام نازیبایی را ناسوت‌آور خواهند نواخت. در چنین فضایی استعاره «لذت خیانت» متولد شده است، ولی این

فروخته تنها سعی دارد با شکنجه لذتی آتی و زودگذر را تجربه کند. اینها البته یک وجه از سکه جریان ترجمه در روزگار ما است، روی دیگر اتفاقاً ظاهری زیبا دارد و سعی می‌کند این روی خشن را بپوشاند. روی دیگر سکه انتقال فرهنگ و علم است و البته ساختن سرمایه فرهنگی و بسط یک فرهنگ تا رسیدن به نقطه جهانی شدن. اشاره به این نظرات اهالی ترجمه برای این بود که بدانیم «ترجمه انتقالی ساده نیست، بلکه خلق واقعی و «انتشار معنا» در مجموعه‌ای از متن‌ها و گفتمان‌ها در بطن جامعه است، یعنی نقشی اثرگذار در سیاست و اجتماع دارد.» (درک و آموزش ترجمه، نشر قطره، ص ۳۲۵). بله درست است، ترجمه به‌عنوان یک نظام / سیستم اجتماعی عمل می‌کند و زیست جهان هر آنجایی را که در آن وارد شود، به هم خواهد زد و با پدید آوردن آشوب در پی

نظمی نوین خواهد گشت، حال اینکه چقدر در این مأموریت تفوق یابد یا به موانع سخت برخورد کند، به اندیشمندان، برنامه‌ریزان و سیاستمداران آن جامعه بستگی دارد.

با مرور فرایند ترجمه می‌بینیم که مترجم ابتدا متنی را می‌خواند، سپس درک یا فهمی نسبت به آن پیدا می‌کند و در این درک و فهم شناخت و مهارت مترجم نسبت به زبان مبدأ بسیار مهم است. این شناخت و درک البته در متون مختلف به برخی تخصص‌ها یا مهارت‌ها نیز نیازمند است، مثلاً در ترجمه یک متن مربوط به علم فیزیک یا روانشناسی تنها مراجعه به فرهنگ‌های تخصصی آنها کفایت نخواهد کرد، بلکه مترجم باید از زمینه و مباحث آن علوم سررشته‌ای داشته باشد یا آن را کسب کند، البته تخصص در اینجا به معنای مدرک دانشگاهی صرف نیست. بعد از اینکه مترجم فهمی از متن اصلی یا زبان مبدأ پیدا کرد، حال باید این فهم را در قالب زبان مقصد بریزد و به یک معنا آن فهم را دوباره بیافریند، بنابراین شناخت و آگاهی از زبان مقصد نه تنها کمتر از شناخت زبان مبدأ نیست، بلکه شاید باید بیشتر از آن نیز باشد. آنچه در این فرایند ظاهری، ذهن مخاطب فعال را قلقلک خواهد داد، نقطه کانونی آن یعنی مترجم است؛ مترجم هر چقدر ماهر و چیره‌دست باشد، اثر انگشتش در زمانی که متن را از زبان اصلی تحویل می‌گیرد و به زبان مقصد تحویل می‌دهد، روی بسته‌بندی این انتقال خواهد افتاد. سلیقه زبانی مترجم یکی از انگشتان او است، ایدئولوژی مترجم انگشتی دیگر، حالات روحی، روانشناختی مترجم انگشت سوم، زمانه‌ای که ترجمه در آن در حال وقوع است، انگشت چهارم و در نهایت انتخاب یا گزینش مترجم از میان انبوه آثار قابل ترجمه، دست او را به پنجمین خانه طبیعی خود خواهد رساند. بخشی از پژوهش‌های مطالعات ترجمه به این انگشتان توجه می‌کنند و اینها غیر از شناخت زبان مبدأ، مقصد، لحن و سبک و... در متن و انواع گونه‌های متن هستند.

می‌دانیم نزاع‌ها و جدال‌های واقعی یا ساختگی بازار گرم‌کن نیز بیشتر در همین نقاط بین مترجمان واقعی پیش کشیده شده است، برای مثال و البته مثالی خاص بد نیست اشاره کنیم به اصطلاح یا عبارتی که در ترجمه یکی از متون تحلیلی، تاریخی و سیاسی معاصر بین مترجمان متفاوت آن پیش آمده بود و منتقدان هم به آن واکنش‌های تند و تیزی نشان دادند. در متنی که به حادثه سیاهکل پرداخته شده بود، یکی از مترجمان آن را «واقعه سیاهکل» ترجمه کرده بود و دیگری «حماسه سیاهکل» و ظاهراً مترجم دوم به دلیل گرایش‌های چپ‌روانه علاقه داشته این حادثه را در ذهن مخاطب با کلمه «حماسه» برجسته‌سازی کند. از این جنس نکات که به‌نوعی ریزبینی در ترجمه خوانده می‌شود، تا نکات ساختاری و فهم اصطلاحات و جملات بسیار است.

از همین روی مخاطب چه بداند و چه نداند، چه آگاهانه و چه ناخودآگاهانه، وقتی به سراغ ترجمه می‌رود و آن را می‌خواند، انگار به طور پیش‌فرضی ذهنی بیان می‌کند که: «ای مترجم عزیز! من به فهم تو اعتماد کردم و بدون کنکاش در آثار انگشتان، می‌خواهم از تصویری که برای من ساختی لذت ببرم، امیدوارم این بارقه امید من در مسیر خواندن متن روشن‌تر شود.»

در بخش پایانی در حالی که ابن‌سینا در حال ورود به بازار خرده‌فروشان است، تذکر این نکته خالی از لطف نیست که هر چند در ظاهر ترجمه متون ادبی سخت‌تر و ترجمه متون فنی ساده‌تر است، ولی آنچه مهم است، تقدم و تأخر ترجمه این متن‌ها است، زیرا هر کدام اثرگذاری خاص خود را خواهند داشت و این‌طور نیست که فکر کنیم ترجمه یک متن ریاضی هیچ اثری در زبان مقصد نخواهد گذاشت، چون در کل شامل نشانه‌های فنی است و مقادیری عدو در نهایت چند جمله ساده که این نوع تفکر در باب ترجمه همان ساده‌سازی سطحی نگرانه است. برای جلوگیری از مطول شدن کلام، شما را به مقاله «ترجمه متون ریاضی و تأثیر آن بر زبان فارسی» از آقای حسین معصومی همدانی رهنمون می‌شوم و برای ادامه بحث در هفته آینده این پرسش را طرح می‌کنم که: «اگر جریان نقد ترجمه و تفسیر متون اصلی نباشد، چگونه می‌توان از کمین راهزنان ترجمه‌های بد گریخت؟» یعنی می‌فرمایید ما هم باید همان مسیر ابن‌سینا را طی کنیم، تا خرده‌فروشی یقمان را خفت کند و اغراض کتاب اصلی را از دانشمندی پرآوازه نشان مان دهد؟